



۲۰۱۶/۱۰/۰۲

مصطفی عمرزی

از ترویج فرهنگ ابتذال تا صدور اوامر

برای آن که در برابر ناهنجاری ها، دچار سطحی نگری نشویم، فهم بر متن مساله، بسیار مهم است. گاهی برای آن که از متن ادعای طرف مقابل افغانان و افغانستان، به درستی سر در آوریم، کوشش می کنیم با هزینه ی زمانی، کند و کاو بر ماهیت ادعای طرف عدو، زوایای بیشتری را برای مان نشان دهد؛ بنا بر این، همواره در صف کسانی استم که به محض فروش کالای ضد افغانی- فرهنگی، خودم را برای رسیدن به فهم، زیان اقتصادی می زرم تا هیچ چیزی از نظر مان پنهان نماند. در این روند، ضمن آشنایی خوب با انبوهی از مخالفان فرهنگی مسلح که بدبختانه با تمامی دشمنی ای که با این کشور و مردم دارند، هنوز از هوا، خاک، آب و دارایی هایش استفاده می کنند و توقع دارند، در حالی که باید سهم خود را برای بیگانه بفروشد، سهم ما را نیز بخورند.

از کار کرد فرهنگیان هتاک تا صدور اوامر آمرانه، گاهی ما را به این فکر می اندازند که طرف مقابل چرا در برابر بزرگی و واقعیتی که با نام های افغانستان، افغان، دری و... در برابرش قرار دارند، منطق را فراموش می کند و با ارایه ی میان تهی ترین نوع کار فرهنگی (پخش اکاذیب، سوء تفسیر ها و جعل) همچنانی که موشی در حصار سمندی کابل است تا زیر سایه ی خارجی، سوراخ های بیشتر ایجاد کند تا کشتی شکسته، زودتر غرق شود، نمی خواهد بفهمد وقتی پای ستیز و تعصب در میان باشد، کمتر دیده شده است کسی در برابر تعدی و بی حرمتی دیگران، خاموش بماند. این جا افغانستان است! کشوری که اگر در برابر هر امری، صبر کنند، در برابر تعصب، زورگویی، پرخاش و توهین، هرگز خاموش نمی مانند.

راه اندازی پروژه هایی که تا سرحد کار فرهنگی، کینه ورزانه و پر از تعصب شده اند، شماری را چنان غافل به باور آورده اند که دیگر نباید در پی رعایت حال دیگران باشیم و در حالی که خیالبافی را از پدران خویش به ارث برده اند، نوعیت فعالیت های خویش را چنان ساماندهی کنند که مساله در حد اوامر، بروز کند. «پارسی بگو و پارسی بنویس» برگرفته از نام کتابی ست که در امتداد چنین عناوین پر اغراض، چنانچه خراسانی را در برابر افغانستان، باب کرده اند، خواسته اند دری نیز بی رقیب نماند. این امر، از یک سو، زیر بهانه ی دیموکراسی توجیه می شود و از سوی دیگر، چنان وانمود می کنند که پدیده های انسانی، فرامرزی اند و بنابراین، ایجاد محدودیت های سیاسی، کاری بوده است که به ویژه با تاریخ معاصر افغانستان، رابطه می گیرد.

وقتی سخن از افغانستان، افغانیت، یا مساله ی مهمی با نام خط دیورند و سرنوشت تلخ میلیون ها مردم دو سوی این خط به میان آید، پدیده های انسانی، فراموش می شوند و یا ترفند انگلیس، پشتوانه ی افغانیت وانمود می شود و یا حقیقت بسیار مستندی از مردم، با تیغ پاکستانی، بُریده می شود که دیگر به ما ربط ندارد؛ اما در این سوی دنیای دلخواهان خراسانی، وقتی طرف، زیر چرخه ی نقد قرار می گیرد، ناگهان قضیه بر عکس می شود و با چنان شور و هیجانی از پیوند هایی سخن می رود که اگر شعوبیان جعلکار معاصر فردوسی که او را اجیر کرده بودند تا سفارشات سیاسی و قومی آنان را بر ضد اسلام و مسلمانان کتاب بسازد (شاهنامه) زنده بودند، مخالفان معاصر، آن قدر جعل و تزویر می ساختند تا شاهنامه ی دیگری درست شود که بلی! مردمانی که خط دیورند از سر سفره ی آنان گذشت و حتی اعضای یک فامیل را جدا کرد، بیگانه اند (افغانی و پاکستانی) اما متکلمان زبان به اصطلاح فارسی، آن قدر نزدیک و خویشاوند اند که اگر با رمز شعر «کم صلاح»، کود گنجینه های پارسی را باز کنیم، خواهیم دانست که ژنتیک فرهنگی- تخلیقی، ثابت کرده است، در هر جایی که تخیل موثر باشد، علم و تجربه را صبر باشد!؟ این که این دانش، به چه میزانی نسل های تخیل زده را خواهد زاد، بسته گی دارد به شرایطی مانند شرایط بازار آزاد افغانستان، اما هیچ الزامی نداریم که ما نیز خیالباف شویم.

در حالی که کارکرد گونه گون و بسیار منفی را در پیرامون ما توجیه می کنند و حتی دیگر سخن در حد صدور اوامر است، بسیار اشتباه خواهد بود با شناخت طرفی که خودش را بدترین دشمن ثابت کرده است، راضی باشیم که پروا

د پانوی شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خپر و لولئ

ندارد! ما در چهار چوب یک جامعه ی مدنی، زنده گی می کنیم. مگر زنده گانی در چهار چوب جامعه ی مدنی، اصول ندارد؟ مخالفان ما، در چنان مرحله ای قرار گرفته اند که رعایت احترام و حقوق دیگران را نیز با سلیق خودشان، تحلیل می کنند.

پایان

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ